



دیدبان اصالت افغانستان

Integrity Watch Afghanistan

فشرده راپور

فساد در افغانستان یک پدیده وسیع بوده و در هر بخش زنده گی در این کشور بیشتر از پیش جاگیر شده و حکومت افغانستان تحت فشار فزاینده جهت رسیده گی به این موضوع قرار دارد. تقاضا برای اقدام در این زمینه چه از طرف جامعه افغانی و چه از طرف جامعه جهانی به حد بی سابقه یی رسیده است. باوجود اینکه نگرانی ها در مورد فساد از طرف افغانستان و جامعه جهانی ممکن با هم تفاوت اندک داشته باشد، اما هردوی آن به اساس یک تصور استوار است و آن اینکه فساد، دست آوردهای اساسی افغانستان از سال 2001 میلادی بدینسو را تحت سوال قرار میدهد. فساد مشروعیت ساختار دولت را تهدید میکند، بالای روابط مردم و دولت تاثیرات ناگوار میگذارد، ناکامی را تقویه و شورش را افزایش میدهد، باعث افزایش نابرابری [که باعث تحریک برخورد های اجتماعی میگردد]، تخطی از حقوق بشر و همچنان جلوگیری از حاکمیت قانون مطابق معیارهای افغانی میشود. به همین ترتیب فساد مانع دسترسی به خدمات عامه گردیده، که در این صورت افراد بی بضاعت بیشتر آسیب میبینند و در نهایت بالای پیشرفت اقتصادی شدیداً تاثیرات سوء میگذارد.

شیوه شناسی و راهبرد:

این دوومین سروی در مورد فساد است، که توسط دیده بان اصالت افغانستان (IWA) انجام میگردد. این سروی در ادامه تلاشها برای افزایش شفافیت، اصالت و حسابدگی از طریق تحقیقات متمایل به پالیسی انجام گردیده است. این سروی اولین سروی ملی در مورد فساد بوده، که در اواخر سال 2009 میلادی در 32 ولایت افغانستان به راه انداخته شد. سروی های قبلی، که توسط دیده بان اصالت افغانستان و سازمان های دیگر انجام شده است صرف یک بخشی از نفوس و جغرافیه افغانستان را تحت پوشش قرار داده است. نخستین سروی دیده بان اصالت افغانستان (IWA)، که در سال 2007 به نشر رسید، صرف 13 ولایت رانظر به کمبود بودجه تحت پوشش قرار داده بود، که معلومات آن در خزان سال 2006 جمع آوری گردیده بود.

دیده بان اصالت افغانستان توجه خاصی میذول داشته است تا در این راپور معلومات و تحلیلهای قابل مقایسه را تهیه نموده و تشابهات و تفاوتها میان نتایج دو سروی یادشده را واضح نماید و به همین ترتیب تفاوت میان تحت پوشش قرار دادن جغرافیوی را نشان دهد. با این همه، به علت شیوه دقیق سروی اخیر، تمرکز بیشتر بالای تجارب نسبت به استنباط و همچنان محدوده وسیع موضوعی مقایسه میان این دو سروی را مشکل میسازد.

سروی فعلی، که تعداد 6500 پاسخ دهنده را تحت پوشش قرار داده و یک سمپل نمونه وی تمام نفوس افغانستان است، تاثیرات فساد بالای روابط مردم و دولت، اعتماد بالای سازمانهای دولتی و غیر دولتی، حمایت جامعه جهانی در مبارزه علیه فساد اداری و رابطه فساد با شورش و درگیری را ارزیابی میکند. در حالیکه سروی گذشته بالای استنباط فساد تمرکز میکرد، سروی فعلی معلومات مفصلی را در مورد تجارب فساد در افغانستان تهیه میکند. سروی فعلی مانند سروی قبلی بالای فساد اداری، که

تأثیرات مستقیم و وسیع بالای شهروندان افغان دارد، تمرکز میکند. موضوعاتی مرتبط با فساد بزرگ، فساد سیاسی و جرایم سازمان یافته قسماً در نظر گرفته شده است. از آنجائیکه که این سروی عملاً با فساد اداری رابطه دارد، بر تهیه خدمات عامه توجه خاصی شده است. این سروی همچنان تفاوت میان خانواده و فرد را به حیث یک واحد تحلیل معرفی میدارد. استنباط معمولاً از پاسخ دهنده گان انفرادی صورت میگیرد، در حالیکه تجارب از خانواده سرچشمه میگیرد.

وضعیت عمومی فساد:

یافته های سروی نشان میدهد، که فساد سومین مشکل عمده بعد از نا امنی و بیکاری در کشور میباشد، که این رشته از سال 2007 تا حال به همین منوال ادامه دارد. یک فرد بالغ از جمله هفت تن، معادل 1677000 فرد بالغ در جریان سال 2009 میلادی در افغانستان به صورت مستقیم فساد را عملاً تجربه نموده است. 28 درصد فامیل ها برای دست یافتن به حد اقل یک خدمت عامه رشوه داده اند. بر علاوه آن تجارب رشوه دهی در بین افغانها نشان میدهد، که پول رشوت به شکل قابل ملاحظه افزایش یافته است. در سال 2009 میلادی به اساس گفته های افرادی که رشوه داده اند، ارزش وسطی تادیه شده 7769 افغانی (معادل 156 دالر امریکایی) بوده است. این ارقام نشاندهنده یک رقم بزرگ پول، در یک کشوری است، که عاید سرانه در آن 502 دالر امریکایی در یک سال میباشد. این سروی نشان میدهد، که نفوس افغانستان در مجموع در سال 2009 میلادی دوبرابر بیشتر نسبت به سال 2006 میلادی رشوه داده است. مقداری، که در سال 2007 توسط مردم به حیث رشوه پرداخت شده، به 466 میلیون دالر امریکایی تخمین میگردد، در حالیکه سروی فعلی نشان میدهد، که این رقم نزدیک به یک میلیارد دالر امریکایی میباشد. این سروی همچنان استنباط عمومی در مورد تأثیرات فساد بر خانواده را منعکس میسازد. 34 درصد پاسخ دهنده گان گفته اند، که تأثیرات عمومی فساد بر خانواده آنها قابل ملاحظه و یا به افراط بلند بوده است، در حالیکه 18 درصد آنها گفته اند، که بار مالی بر خانواده آنها در سال 2009 میلادی نسبت به سال 2008 به علت مقدار زیاد رشوت افزایش یافته است.

فساد همچنان در افغانستان فراگیر و وسیع میباشد. اکثریت مردم (هفتاد درصد) بدین باور اند، که فساد یک پدیده عام و طریقه معمولی انجام دادن معامله با دولت می باشد. این پدیده بعد از این منبع به تجارب شهرنشینان، که در روابط خود با مسؤولین دولتی با فساد مواجه شده اند، نمیشد. در حال حاضر فساد مناطق روستایی را، که در آن هفتاد و پنج درصد نفوس افغانستان زنده گی میکند، نیز متأثر میسازد. حتی مردمی، که در قریه های دور دست زنده گی میکنند، از این امر مستثنا نیستند و در مقایسه با شهرنشینان به گونه یی فساد را تجربه نموده اند. 23 درصد افرادی، که ذریعه فساد متأثر شده اند، به شکل مکرر به آن مواجه اند. اکثریت پاسخ دهنده گان (هفتاد و پنج درصد)، که فساد را تجربه نموده اند، این عمل را حد اقل دو مرتبه در یک سال رشوت داده اند. افرادی که در سال 2009 میلادی فساد را عملاً تجربه نموده اند، این عمل را حد اوسط 3.4 مرتبه در یک سال انجام داده اند.

بُنیه گسترده فساد در عرضه انواع مختلف خدمات عامه آشکار بوده و رشوت به یک عمل سنتی مبدل گردیده است. استفاده کننده گان خدمات عامه رشوت دادن را به مثابه مساعد ساختن زمینه برای دسترسی به چنین خدمات میدانند و فکر میکنند که دادن رشوت یگانه راه رسیدن به چنین خدمات است. 34 درصد افرادی، که رشوت داده اند، کاملاً متیقن هستند، که دادن رشوه زمینه استفاده از خدمات دولتی را مساعد میسازد. صرف 9 درصد مردمی که رشوه داده اند، در مورد نتایج عمل خود متیقن

نیستند. عمل گسترده رشوه ستانی توسط نقش فزاینده کمیشن کاران غیر قانونی تصدیق میگردد که به اساس یافته ها در 44 درصد تجارب رشوت سهمیم بوده اند.

چنین استنباط میگردد، که نهادهای امنیتی، قضایی و شهرداری ها تا حال مانند سال 2007 میلادی فاسد ترین نهادها اند. خدمات عمده یی، که توسط این نهادها عرضه گردیده، با مقدار زیاد رشوت، که در سال 2009 میلادی توسط خانواده ها پرداخت گردیده، ملوث میباشد. هر یک از این نهادها حدود 10 درصد خانواده های سروی شده را متاثر ساخته است.

به همین ترتیب در حال حاضر، فساد به خدمات اجتماعی عامه مانند صحت و تعلیم و تربیه نیز در حال گسترش است، که مقدار متوسط رشوت در این سکتورها به کرات بلند تر میباشد. هر یک از این نهادها حدود 5 درصد خانواده ها را متاثر نموده، که پرداخت رشوه به نهادهای امنیتی و قضایی دوبرابر این مقدار را تشکیل میدهد.

نهادهای امنیتی و قضایی بدون شک فاسد ترین نهادها خوانده میشوند:

سروی نشان میدهد، که افغانها عمده ترین نهادهای مسؤول در بخش امنیت و امور قضایی را فاسد ترین نهادها قلمداد میکنند. 42 درصد پاسخ دهنده گان وزارت امور داخله را بیشتر از همه فاسد میخوانند، در حالیکه 32 و 30 درصد پاسخ دهنده گان، وزارت های عدلیه و ریاست عمومی امنیت ملی را به ترتیب بیشتر فاسد میخوانند. به همین ترتیب خانواده برای دسترسی به امنیت و عدل مقدار زیاد رشوت را به پولیس و محاکم پرداخت نموده اند. دادن رشوت برای دسترسی به هر یک از خدمات فوق 10 درصد خانواده های افغان را متاثر نموده است.

استنباط کاملاً منفی از نهادهای امنیتی و قضایی با تاثیرات واقعی بالای خانواده ها تطابق میکند. 38 و 17 درصد خانواده ها بدین نظر اند، که فساد در صفوف پولیس و محاکم به ترتیب بالای آنها تاثیرات ناگوار داشته است. 25 درصد و 26 درصد خانواده ها به ترتیب از دسترسی به خدمات امنیتی و قضایی احساس محرومیت میکنند، که این احساس محرومیت آنها به علت فساد موجود در ارگانهای یادشده میباشد. فساد همچنان باعث مایوسی کسانی شده است، که در جستجوی عدالت از دولت اند. 26 فیصد خانواده ها، که در محاکم فساد را تجربه نموده، شاهد و شاکی از فساد در نهادهای یادشده هستند. در عین حال تعداد قابل ملاحظه خانواده هائیکه برای خدمات یادشده مجبور به پرداخت رشوت اند، خانواده های بی بضاعت و خانواده های دارای عاید کم هستند. در نهایت زمانی که خانواده در هر دوی این نهاد با فساد مواجه میشوند، مقدار رشوه به بیش از دو برابر افزایش میابد.

سروی همچنان نشان میدهد، که فساد در داخل سیستم قضایی در محاکم و دفاتر خاړنوالی در سطح ولسوالی ها به صورت مکرر واقع میگردد. این فساد در 39 فیصد مجموع واقعات صورت میگیرد. خانواده های که فساد توسط پولیس را بیشتر تجربه نموده اند، در قریه های دور دست واقع اند. از اینرو باید کارکرد این نهادها به سطح محلی مورد تمرکز پالیسی های علیه فساد قرار گیرد. فساد شورش را کمک نموده و درگیری های محلی را دامن میزند.

یکی از دریافتهای دلچسپ سروی این است، که 50 درصد پاسخ دهنده گان به این نظر اند، که فساد با توسعه طالبان کمک میکند. به همین ترتیب یک- سوم پاسخ دهنده گان گفته است؛ آنها شنیده اند، که طالبان علیه حکومت به اساس اتهام فساد منسجم میشدند.

فساد همچنان یکی از عوامل درگیری ها به سطح محلی میباشد. یک- سوم پاسخ دهنده گان گفته اند ، که فساد باعث درگیری در قریه ها و یا شهرهای آنها شده است. برعلاوه ، تعداد زیاد افرادی ، که چنین درگیری ها را راپور داده اند ، به این عقیده هستند ، که یک تعداد گروپهای منسجم توزیع و فروش زمین را کنترل کرده اند ، که علت این امر ، همدستی میان بازار زمین و اراکین بلند پایه دولتی است .

مقدار زیاد رشوت برای عرضه خدمات اجتماعی پرداخته میشود:

مقدار زیاد رشوت برای عرضه خدمات اجتماعی مانند تعلیم و تربیه و صحت پرداخته میشود ، که حد وسط مقدار پرداخت رشوت به ترتیب 10871 افغانی (معادل 217 دالر امریکایی) و 7143 افغانی (معادل 143 دالر امریکایی) بر خانواده ای که رشوت داده است ، میباشد. اگر چه کمتر از پنج فیصد خانواده های افغانستان از فساددریکی از خدمات فوق متاثر اند ، این رشوت فشار قابل ملاحظه یی را بر دوش این خانواده ها تحمیل میکند. در حالیکه یک خانواده متوسط افغان ، که دارای 7.3 عضو بوده ، حد اوسط 3,665 دالر امریکایی عواید دارد . خانواده های که رشوت میدهند ، این عمل را بیشتر از دو مرتبه در جریان سال 2009 میلادی انجام داده اند . این امر نماینگر یک بار دوش غیر قابل تحمل برای افغانهای بی بضاعت و آسیب پذیر میباشد .

با وجود اینکه رشوت در خدمات اجتماعی قابل ملاحظه میباشد ، خدماتی ، که در آن به صورت مکرر رشوت گرفته میشود عبارتنداز: توزیع تذکره و پاسپورت ، تامین امنیت توسط پولیس و تایمن عدالت توسط محاکم (به بالا مراجعه نمایند) . سروی همچنان نشان میدهد ، که خانواده های دهاتی به پولیس ، امور تعلیمی ، خدمات صحی و ارضی رشوه میپردازند ، در حالیکه خانواده های شهرنشین بیشتر در امور قضایی ، وظیفوی ، دیپارتمنتهای جمع آوری مالیه ، استخدام ، امور اجتماعی و خدمات ترانسپورتی رشوه پرداخت میکنند .

بیشترین فشار فساد را فقرا متقبل میشوند:

سروی نشان میدهد ، خانواده های که در قریه جات نزدیک به شهر زنده گی میکنند ، نسبت به آنها نیکه در قریه جات دورتر و یا در شهرها زنده گی میکنند ، بیشتر مجبور به پرداخت رشوت هستند . خانواده های که دارای یک نان آور بوده و عواید آن کمتر از سه هزار افغانی (شصت دالر امریکایی) است ، بیشتر با رشوت مواجه اند . خانواده های بی بضاعتی ، که عاید آن کمتر از سه هزار افغانی (شصت دالر امریکایی) است ، فساد را یک چالش عمده در افغانستان میدانند . دریافتهای سروی نشان میدهد ، که خانوادهای بی بضاعت با داشتن دهاقین بی بضاعت نسبت به مناطق شهری بیشتر مجبور به پرداخته رشوت هستند .

فساد ممکن جهت حفظ عواید اجتاب ناپذیر باشد :

سیزده در صد خانواده ها میگویند ، که آنها برای حفظ منابع عایداتی خود رشوت داده اند . بر علاوه سروی نشان میدهد ، که مسلکهای ، که جهت حفظ کار و وظیفه به مقدار زیاد رشوت را تجربه کرده اند ، عبارت از مامورین ملکی و کسبه کاران شغل آزاد هستند ، که هردوی آنها 29 در صد را تشکیل میدهند . مامورین ملکی میگویند ، که آنها مجبور اند ، تا جهت حفظ وظیفه خود به مدیران خود رشوت یا تحفه بدهند ، در حالیکه پاسخ دهنده گان کسبه کار آزاد مجبور اند ، تا به نهادهای مسؤل تنظیم امور مربوطه مانند شهرداری ها و وزارت تجارت رشوت بدهند .

فساد مشروعیت دولت را تضعیف میکند:

سروی نشان میدهد، که فساد در سکتور عامه مشروعیت دولت را از طریق مختلف ضربه میزند. فساد در امور قضایی میان شهروندان و دولت فاصله ایجاد میکند 50 فیصد خانواده هاییکه نتوانستند، موضوعات حقوقی خود را به علت فساد در سیستم قضایی حل کنند، جهت کمک به فعالان غیر دولتی رو آورده اند، مثلاً شورای های محلی (شورای های مشورتی) ملاها (رهبران مذهبی که در مورد امور دینی و شریعت آموزش دیده اند) و قوماندانان محلی.

فساد در خدمات مربوط به انسجام زمین، که 15 فیصد خانواده ها را متاثر نموده، تاثیرات مشابهی در رابطه با مشروعیت دولت دارد. این نوع فساد 15 فیصد خانواده ها را متاثر نموده و بیشتر بر قریه های دور دست (75%) مسلط میباشد. اکثریت خانواده ها (60%) که با فساد مربوط به انسجام زمین مواجه اند، جهت حل مسایل خود به فعالان غیر دولتی رو آورده اند، که نشان دهنده ضعف مشروعیت دولت میباشد.

دسترسی غیر عادلانه به انرژی برق نیز مشروعیت دولت را متاثر میسازد. گفته میشود، که فساد در بخش انرژی برق بالای (14%) خانواده ها تاثیرات ناگوار دارد. این مسئله احساس محرومیت مردم دربرداست رسی به این خدمت را بیشتر میسازد. 41 فیصد خانواده ها خود را از موجودیت فساد در دست رسی به برق محروم میدانند. در حالیکه این رقم در مورد پولیس صرف 26 فیصد خانواده ها را متاثر میسازد. در حالیکه توانایی دولت در تهیه انرژی برق پائینتر از توقع خانواده ها است چنین به نظر میرسد، که خانواده ها تمایل دارند، تا پالیسی های دولتی را در رابطه به اولویت بخشیدن دسترسی به انرژی برق مورد سوال قرار دهند.

متداول بودن رشوه ستانی، که باعث افزایش میانجیگری کمیشن کاران غیر قانونی میگردد، نیز یکی از تهدیدها برای مشروعیت دولت به شمار میرود. 71 فیصد پاسخ دهنده گانی، که در جریان سال گذشته رشوت پرداخت نموده اند، میگویند رشوتی را، که پرداخت نموده اند، از طریق آن خواهند توانست به خدمات دولتی مورد نظر خود دست یابند. کمیشن کاران مسلکی، که برایشان جهت بدست آوردن خدمات مربوطه به عوض شهروند افغان پول داده میشود و این کمیشن کاران یک اندازه پول یادشده را به چندین مسؤل فاسد دولتی میدهند که در حال حاضر 44% در معاملات رشوت سهیم اند. در نهایت امر مهمی، که مشروعیت دولت را زیر سوال قرار میدهد، جانبداری قومی در مواجه شدن خانواده ها با فساد میباشد 31 فیصد خانواده ها در سال 2009 میلادی راپور داده اند، که آنها با مسؤلین دولتی فاسد، که به آنها رشوه داده، همبستگی قومی داشته اند، در حالیکه این فیصدی در سال 2007 میلادی 14 فیصد بوده است. به اساس سروی ماقبل، قوماندانان محلی نقش عمده داشته اند. در حال حاضر فساد به گونه بی تغییر کرده است، که بیشتر با قومیت رابطه دارد. 46 فیصد مامورین ملکی پاسخ دهنده میگویند، که جانبداری قومی در معاملات رشوه ستانی بیشتر شایع گردیده است.

باوجود سطح بلند تصور و تجارب فساد در رابطه با پولیس و امور قضایی و احساس تضعیف مشروعیت دولت، شهروندان تا هنوز هم از دولت توقع دارند، که به فساد در پولیس و سیستم قضایی رسیده گی نماید. در حقیقت قربانیان فساد پولیس، ناامنی را عمده ترین مشکلی میدانند، که افغانستان بدان مواجه است و توقع دارند، که حکومت به حیث یک اولویت به فساد رسیده گی نماید. همچنان

آنانیکه از فساد در سیستم قضایی شاکی اند ، از حکومت توقع دارند ، که تا نسبت به رسیده گی به عدالت بیشتر جلو فساد را بگیرد .

تصاویری از عوامل فساد : حرص بیشتر از نیازمندی

عوامل عمده فساد شامل سیستم ضعیف حسابدهی (63%)، معاشات پائین مامورین دولتی (57%) و گردش مبالغ هنگفت پول (49%) میباشد . در مقایسه با وضعیتی ، که از طریق سروی فساد توسط دیده بان اصالت آشکار گردید ، یک تغییر در سطح تحمل پاسخ دهنده گان در مقابل انواع مختلف فساد موجود بوده است . در سروی قبلی ، پاسخ دهنده گان عامل اصلی فساد را نیازمندی های اقتصادی مامورین ملکی میخواندند ، که به صورت قسمی قبول و دانسته شده بود. اما حالا پاسخ دهنده گان در مقابل سطح زنده گی مفشن مسؤلین عامه ، که از طریق فساد به دست آورده اند ، کمتر تحمل داشته و خواستار افزایش حسابدهی هستند . با وجودیکه معاشات اندک مامورین ملکی تا حدی یکی از عوامل فساد دانسته میشود ، اما بیشتر از این به حیث یک بهانه یی برای اخذ رشوت پذیرفته نمیشود .

پذیرش فساد : معضله ایی در بین بقا و اخلاق شهروندی

فساد در مجموع توسط افغانها قابل پذیرش نیست و صرف در بعضی حالات مشخص موجه خوانده میشود. 90 در صد پاسخ دهنده گان میگویند ، که آنها در زمان پرداخت رشوت خود را گنهکار فکر میکنند، همچنان میگویند ، که فساد یک نورم اجتماعی در افغانستان نیست . انواع فسادی که در مقابل آن پذیرش اندک بین پاسخ دهنده گان وجود دارد ، عبارتند از جانبداری (16 درصد حامی و 73 درصد مخالف)، رشوه ستانی (15% حامی و 79% مخالف). کمتر از 10 فیصد پاسخ دهنده گان گفته است ، که تقلب و اختلاس قابل قبول است .

اگر چه پذیرش نظر به حالات فرق میکند . پاسخ دهنده گان بیشتر در مقابل اخذ رشوت پولی توسط مامورین دولتی ، که معاش پائین دارند ، روادار هستند (15% طرفدار و 67% مخالف) و یا برای تحایف کوچک در مقابل خدمات کوچک (16% طرفدار و 70% مخالف) . سروی دریافت نمود ، که پذیرش تمام انواع فساد در بین شهرنشینان در مقایسه به روستائینان دومرتبه بیشتر است . اخذی رشوت پولی از افراد بی بضاعت کمتر قابل قبول بوده است . در حالیکه فساد تقبیح میگردد ، 20 در صد پاسخ دهنده گان میگویند ، که آنها برای حفظ وظیفه خود از تبعیض به سود خویشاوندان منفعت میبرند و 25% پاسخ دهنده گان گفته است ، که آنها برای حفظ منافع خود حاضر به پرداخت رشوت هستند. این نوع روش بیشتر در بین جوانان مجرد و جوانانی که از لحاظ اقتصادی فعال اند، وجود دارد و این امر نشانه این است ، که در کمپاینهای ضد فساد اداری باید علیه آنها و افرادی که برای حفظ منابع عایداتی خود دست به رشوه خوری میزنند، اقدام صورت گیرد .

اعتماد بر نهادهای مبارزه علیه فساد :

با آنکه در اذهان منفی درمورد فساد بودن سکتور عامه وجود دارد ، مردم بدین باور اند ، که دولت در مبارزه با فساد ناکام مانده است . پاسخ دهنده گان به این نظر اند ، که نهادهای قادر به کاهش فساد عبارتند از رئیس جمهور 84% ، لوی خاړنوال 70% و وزارت امور داخله . 70% این آمار نشاندهنده این است ؛ باوجود اینکه در مورد بی عیب بودن این نهادها شک و تردید قوی وجود دارد ، مردم عام با آن هم بر توانایی فرضی دولت در مبارزه علیه فساد اطمینان دارند . دوم اینکه ، پاسخ دهنده گان بدین نظر هستند ، که در مبارزه علیه فساد باید از مجازات کار گرفته شود . اطمینان بر فعالان غیر دولتی تا حال در سطح بلندی قرار دارد ، تا در مبارزه علیه فساد از طرق پیش گیرانه با هم یکجا

کار نمایند. جامعه مدنی 51%، رهبران مذهبی 55%، حکومت افغانستان 55% و طالبان که در جلوگیری از فساد کمتر قادر دانسته میشوند 14%.

در نهایت 12% پاسخ دهنده گان گفته اند، که آنها در جریان دوازده ماه گذشته در رابطه با فساد شکایتنامه های رسمی را خانه پری نموده اند، که این امر نشانده این است، که مردم تا حال در مبارزه علیه فساد بر نهادهای رسمی دولتی اعتماد دارند. از این جمله نهادهاییکه بیشترین شکایات را اخذ نموده، والیان و ولسوالان میباشند. افرادی، که بیشتر شکایتنامه ها را تحریر داشته، افرادی اند، که در جستجوی خدمات حکومتی بوده و رشوت بزرگی را پرداخته اند.

سفارشات برای اقدام، بدست آمده از نتایج سروی:

جهت رسیدگی به فساد در سیستم قضایی، مخصوصاً در دفاتر خرنوالان و محاکم ولسوالی ها توجه جدی نیاز است. در صورت عدم موجودیت یک سیستم تقویتی مؤثر، حکومت باید مجازات بیشتر اداری را به کار ببرد، که میتواند به حیث تکمیل کننده مجازات جنایی استفاده گردد. بر علاوه، سهم گیری جامعه مدنی و مردم عام باید در استماعیه های محاکم تشویق و ترغیب گردد.

فساد در رابطه با موضوعات زمین 15 فیصد خانواده ها را متاثر نموده است. بناء برای حکومت لازم است، تا نقش و مسؤولیت دیپارتمنتها و وزارتهای مختلف را، که با موضوعات وابسته با زمین سروکار دارند، مشخص نماید. همچنان لازم است، تا در توزیع زمین و فروش زمین توسط حکومت شفافیت بیشتر موجود باشد. شهروندان و سازمانهای جامعه مدنی باید به تصمیم گیری مربوطه و لست آناییکه از توزیع زمین منفعت میبرند، دسترسی داشته باشند.

دسترسی به معلومات در کاهش فساد حیثیت یک کلید را دارد. در صورتیکه پروسه های اداری بسیار مغلق و معلومات کم باشد، باعث افزایش فرصت برای رشوه ستانی و کمیشن کاران میگردد. به اساس ماده پنجاه قانون اساسی افغانستان، حکومت افغانستان باید یک نهاد قانونی را ایجاد نماید، تا مردم به معلومات دولتی دسترسی داشته باشد. بر علاوه آن، هر دیپارتمنت باید پروسه ها و محدوده زمانی را، که برای دریافت یک خدمت مشخص نیاز است، آشکار و قابل دسترس بسازد. در نهایت یک شماره تیلیفون مشخص باید، برای استفاده کننده گان خدمات عامه ایجاد گردد، تا آنها بتوانند رشوه ستانی به مامورین ملکی را اطلاع دهند.

وزارت انرژی و آب و شرکت برشنا و دیگر دیپارتمنتهای مربوطه، که مسؤول تهیه برق را به عهده دارد، باید یک معیار واضح را برای استفاده از برق دولتی ایجاد و آشکار نماید. آنها باید همچنان یک سیستم مانیتورنگ برق را توسط شورای های شهری و محلی ایجاد نمایند. بر علاوه، سازمانهای جامعه مدنی باید پالیسی های دولتی را مانیتور نموده و سروی نمایند، که آیا به نیازمندی های مردم افغانستان رسیده گی صورت گرفته یا خیر؟

مسؤولین عامه انیکه بیشتر به رشوت مواجه اند، باید در چوکات پروگرام آشکار نمودن دارایی و عواید اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری قرار گیرند و عواید و منافع آنها باید به شکل منظم بررسی گردد. معلومات وابسته با دارایی و عواید چنین مامورین ملکی و همچنان نتایج پروسه بررسی باید در محل کار آنها برای مردم عام آشکار گردد.

اداره عالی نظارت باید تلاشهای خود را به نهادهای مربوطه دیگر وسعت بخشد ، تا پروسیجرهای خدمات به اساس یک معیار واضح ساده گردد ، مخصوصاً در محلاتی ، که فساد باعث خدشه دار شدن مشروعیت دولت میگردد ، که بدین صورت افراد و خانواده های بی بضاعت بیشتر متاثر میگردد . که این کار برای فعالیتهای تجاری و انکشاف اقتصادی اهمیت به سزای دارد .

قانون جزا ، که در حال حاضر تحت بررسی قرار دارد ، انواع مختلف فسادرا بر اساس استنباط مردم در آن شامل گردد . انواع مختلف فساد مانند تجاوزات جنسی و تعدیل فیصله های محاکم ، که توسط پاسخ دهنده گان سروی به آن اشاره گردیده ، مورد توجه خاص قرار نگرفته است و در بررسی قانون جزا مورد تمرکز مسؤلین نیز قرار نگرفته است .

حکومت باید سهم گیری جامعه مدنی در جلوگیری از فساد را به اساس خدمات اجتماعی اساسی مثلاً صحت و تعلیم و تربیه تشویق نماید . این کار میتواند ، ذریعه سهیم ساختن اجتماعات محلی در پروسه های تصمیم گیری تکمیل گردد. همچنان میتواند از طریق پیگیری بودجه به سطح قریه و ولسوالی و ارزیابی کیفیت عرضه خدمات اساسی تکمیل گردد .